فصلنامه مطالعات علوم اجتماعی
دوره ۸، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۱
صفحات ۱۶۱-۱۷۹
Print ISSN: 2476-5274
www.uctjournals.com

بررسی پیوند معماری سنتی با حکمت اسلامی (نمونه مورد معماری مناره، گنبد، محراب و تزیینات مساجد)

هادی واصفی۱ و فاطمه شکاری۲
۱معاونت پژوهشی ناحیه یک آموزش و پرورش زاهدان (نویسنده مسئول)
۲ کارشناس ارشد فن آوری و برنامه ریزی نیروی انسانی ناحیه یک اموزش و پرورش زاهدان

چکیده

بناهایی که به دست انسان ساخته می شود جلوه هایی از نگرش او به جهان هستی است که مبین قوه فکری و ساختار فرهنگی ـ اجتماعی افراد آن جامعه است. این برداشت که، معماری می‌تواند دیدگاهی طبیعی یا مافوق طبیعی داشته باشد در هر حال خارج از تأثیر محیط اطراف و اقلیم جغرافیایی انسان نیست، لذا در بررسی معماری یک بنا، ابتدا باید جهان و جهان‌بینی سازنده آن بنا را مورد کنکاش قرار داد تا بتوان افکار و عقاید او را در حجمی از آرایش فضا مشاهده کرد. معماری سنتی ایران، تجلی نمادین جهانی ابدی و ازلی است که این جهان را محلی گذرا و واسطه‌ای برای رسیدن به مرتبه‌ای والاتر به منظور وصول به آرامش درونی می‌داند؛ معماری ایران که به صورت‌های گوناگون در بناهای مختلف متجلی گشته، جایگاه خاصی را داراست که در آن، عقاید و رسوم و آئین‌ها در شرایط جغرافیایی و اقلیمی نمود بارزی دارد و حاصل دسترنج هنرمندانی است که برای اعتلای این هنر با تکیه بر ایمان خویش، از جانِ خود مایه گذاشته و در این راه از هیچ کوششی دریغ نورزیده‌اند.لذا با توجه به مطالبی که بیان گردید در اهمیت معماری سنتی در این پژوهش هدف ما بررسی این رابطه معماری سنتی و حکمت آن می باشد تا ازاین رو جلوه گاه هنر معماری سنتی بیان شود. بنابراین در این مجال ما به بررسی معماری سنتی گنبد ،مناره،محراب و تزیینات در مساجد ایران پرداخته ایم و پیوند این معماری را با حکمت اسلامی و معنا بخشی آن به سایرعناصر معماری مساجد و سایر بناها دیگر بیان می کنیم روش گرد آوری به صورت مطالعات کتابخانه ای بوده و باتوجه به داده ها و اطلاعات موجود به تحلیل و توصیف آن در جهت رسیدن به نتیجه مطلوب می باشد . نتایج حاصل بر پرباربودن و معنای فطری و الهی مساجد و معماری آنها می باشد که هر کدام زبان گویایی از هنر و تجلی فرهنگ غنی دینی و معنوی معماری ایرانی اسلامی است.در این پژوهش سعی بر آن داریم تا نخست به سوالاتی چون:۱- فضاهای سنتی مساجد و نمادهای آن چگونه با حکمت معنوی پیوند ایجاد کرده است؟۲- حمکت پیوند خورده با معماری تجلی گر چه معنای می باشد؟

واژه‌های کلیدی: معماری سنتی،حکمت، هنر،مسجد،گنبد.مناره، محراب وتزیینات

مقدمه

در گستره فرهنگی پس از اسلام ،هنرمندان مسلمان برای انتظام دادن به فضاهای خود از معماری بهره جستند و سعی نمودند مکان هایی را بوجود آورند که کلام خداوند در آن منعکس شود و انسان با قرارگیری در آن فضاهای قدسی که متناسب و هماهنگ با نیات و ابعاد انسانی از فضای مادی به بعد الطبیعی خود عروج کند معماران مسلمان در این دوره ضمن بهره گیری از معماری موجود، شالوده های معماری مسلمانان را در ترکیبی از معماری گذشته و فرهنگ اسلامی شکل دادند.یکی از عناصر موثر در شکل گیری مساجد در دوران مختلف که تحت تاثیر مفهوم توحید قرار گرفته ،گنبد است .یک عنصر این عنصر با نقش بارز خود در زمینه شکل دهی مفهوم و نمادین به ایجاد مرکزین در بنا مساجد ،وظیفه خود را به خوبی ایفاء نموده است در رابطه با ضرورت موضوع باید عنوان کرد که اگر این عوامل را در نظر نگیریم و به بیانی دیگر بنا را بدون توجه به شاخص های اعتقادی بر پا سازیم تفاوتی میان معماری یک فرد مسلمان و غیر مسلمان وجو ندارد یعنی هر دو نوع معماری تنها از یک سری اصول و قواعد تبعیت می کنند در صورتی که این امر مغایر با منش مورد انتظار مکتب اسلام از معماری مسلمان است .موضوع مطرح شده در اسلام این است که باید تمام عناصر همواره ما را به یاد خدا بیندازد.معماری نیز باید در مقام خود این نقش را ایفاء نماید.در صورت مغایرت با این امراست که ارزش های موجود در معماری به زیر سوال خواهد رفت.(بمانیان و دیگران ۱۳۹۰،۲۰)

در تحقیقات پیرامون این محور ،علیزاده بیرجندی(۱۳۹۲)بیان می کند مهمترین شاخصه معماری اسلامی،منابع الهام آن است ،این الهام بازتاباننده غنای محتوایی معماری اسلامی و عامل انتقال پیام هنری به مخاطب است علاوه بر آن بلخاری قهی در باره هویت معماری در مقاله ای تحت عنوان هویت معنایی و معنوی معماری (۱۳۹۰)بیان می کند بنا دارای سه ساحت است: ساحت اول نوعی سرپناه است در جهت حفظ و امنیت انسان در برابر گزندها. ساحت دوم ساختمان است که در آن علاوه بر کارکردهای مورد نیاز، عناصری از زیبایی شناسی و امنیت روانی ظهور می یابد. ساحت سوم معماری است یعنی بنایی که در آن معنا مقدم بر فرم است و به یک عبارت در معماری، معانی و مفاهیم صورت تجسمی می یابند. بنابراین معماری زبان و بیان معانی و مفاهیم است و به همین دلیل دربر دارنده هویت و فرهنگ یک ملت و تمدن. از گویاترین و زیباترین زبان های بصری و تجسمی تمدن ایرانی – اسلامی، معماری است

هدف اصلی از بررسی موضوع مقاله حاضر با استناد به اهمیت توحید در اسلام به دنبال حکمت معماری گنبدها ،مناره، محراب مساجد در جهت دریافت و فهم کیفیت و چگونگی تاثیر این مهم در معماری اسلامی به عنوان هدف اصلی و به صورت نمونه موردی در نقش گنبد به عنوان شاخصه اصلی مساجد بررسی شده است تا از این رو به سوال پژوهش پاسخ داده شود که آیا بین معماری اسلامی و حمکمت اسلامی رابطه معناداری در شکل دهی گنبد وجو دارد و ارتباط گنبدها ،مناره،محراب در دوره های مختلف به دنبال حمکت اسلامی و تجلی و به بروز در آوردن اسلام و مفاهیم اسلامی بوده است؟

بیان مساله:

هنر اسلامی، حاصل نهادینه شدن ایمان دینی و الهام اسلامی در جان و دل هنرمند مؤمن و مسلمان است .باید توجه داشت که در این وادی مهمترین چالش جدی بر سر راه این هنر در هر کشور، جدا شدن از هویت ارزشی آن کشور می باشد .از مهمترین تأثیرات هنر اسلامی بر هنر سایر ملل ازجمله کشورایران، تغییر و دگرگونی فضاها و آرایه ها می باشد .این تحول در تمامی هنرهایی که با نقش و نگار سروکار داشته اند نمود پیدا کرد .یکی از نکات ظریف دراین حیطه که کمتر مورد توجه قرار گرفته این است که :ایرانیان به تنهایی تحت تأثیر مطلق هنر اسلامی قرار نگرفته اند؛ بلکه به صورت هوشیارانه از این هنر درجهت نیل به اهداف خود استفاده نموده اند .ایرانیان با ذکاوت به درستی قدرت گسترش اسلام را درک کرده و کوشیده اند تا از طریق پذیرفتن اسلام، فرهنگ پیشرفته و قوی خود را گسترش دهند همچنان که در معماری ایران که به عنوان زیر شاخه هنر اسلامی مطرح میباشد .با ورود اسلام الگو تغییر نکرده و به سایرملل اسلامی نیز صادر گردید .در اینجا میتوان به تبدیل چهارطاقیها به چهارایوانی اشاره نمود .معماری مساجد ایران، سراسر طرحهای اسلیمی، هندسی وخوشنویسی است .کتابت قرآن کریم با زیباترین خطوط، به

عنوان آرایه مساجد مطرح می باشد و بدین ترتیب، قرآن سه بعدی شکل می گیرد، این تزیینات جایگزین سرستونهای ایرانی با تندیس حیوانات قوی الجثه گردید؛ زیرا به لحاظ ملاحظات دینی این آرایه ها دیگر در ساختمانهای اسلامی جایگاهی نداشتند. ایرانیان از دیر باز شیفته هنر قدسی بودند با ورود اسلام به ایران، تحت تاثیر این شیفتگی، به تدریج در آفرینش هنرهای اسلامی از سایر ملل پیشی گرفتند، ترکیب عشق ایرانیان، دقت و ظرافت آنان با معنویت اسلام باعث تجلی باشکوه هنر اسلامی در این سرزمین گردید .هنر اسلامی، هنری است انتزاعی ووظیفه آن انتقال مفاهیم غیر فیزیکی و معنوی میباشد.

مهمترین شاخصه معماری اسلامی منابع الهام آن است.در بناهای چون مساجد عناصر معماری در برگیرنده این معانی می باشد که جنبه مفهومی را در بنا ایفا می کند از جمله این عناصر گنبد، مناره ها، محراب و تزیینات می باشد که با حکمت معنایی فضای معماری پیوند خورده است از این رو در مقاله فوق به این رویداد و عناصر ان در کالبد مساجد پرداخته شده است تا مسائل پیش روی این موضوع در باره معماری سنتی و پیوند ان با حکمت بیان گردد.

اهمیت موضوع تحقیق:

با توجه به اینکه عناصر معماری در شکل اصلی بنا اهمیت دارد در بناهای سنتی این اهمیت همراه با معنا بوده است یعنی هیچ بخشی بدون معنا و مفهوم ساخته نشده است و همراه با حکمت وحدت و کثرت در بناهای مذهبی چون مساجد بوده است .در این پژوهش پرداختن به این عناصر اهمیت موضوع تحقیق می باشد و پیوند حکیمانه این عناصر با هم جز اصلی و هدف تحقیق است.

اسلام و معماری مسجد:

هنر اسلامی جوهرهٔ خود را از جهان بینی اسلامی کسب می کند و در پی معنویت بخشیدن به زندگی انسان است که این مهم در معماری به ویژه معماری مسجد به نحو احسن فراهم می آید .چراکه بناهای دیگر دربارهٔ مسائل مادی است، در حالی که بنای مسجد، ماده و فضای مادی را در خدمت می گیرد که به خلق فضای روحانی بپردازد و در این معادلهٔ تبدیل فضای مادی به فضای روحانی، تنها اکسیر مؤثر، ایمان و خلوص سازندگان این فضا است .چراکه خالق چنین فضایی مسجد را محل سجده درپیشگاه عظمت خداوندی می داند و به ارزش و منزلت آن به عنوان عبادتگاهی که متضمن رشد و تکامل انسان است، وقوف داردنیایشگا ها برترین نوع معماری بشر در طول تاریخ بوده اند که بر اساس معیارها و مفاهیم جهان خلقت ساخته شده اند و تجلی گاه تفکرات و احساسات ناب انسانی بوده اند و در آن به اصلی ترین نیازهای معنوی انسان پرداخته شده است. هنرمند مسلمان نیز با اساس قراردادن هنر خود بر پایه اصل توحید می کوشد تا این حقیقت متعالی را در آثار خود جلو ه گر سازد . چنانچه در معماری به ویژه معماری مسجد هماهنگی کل بنا و یگانگی میان اجزای ساختمان و فضای ایجاد شده از بارزترین نمونه های آن است.(محمدی۸:۱۳۹۳)

عناصر معنادار معماری سنتی مساجد:

در: اولین عنصر ساختاری در بدو ورود به مسجد «در»می باشد و مفهوم نمادین آن، راهی است که به ملکوت خداوند گشوده می شود .الگوی کیهانی"در "که در اصل گذرگاهی است برای رسیدن از جهانی به جهان دیگر، بیش تر از مقوله" زمانی و دوری " است؛ از این رو، درهای آسمان؛ یعنی درهای انقلاب شمسی، درهای گشوده بر زمان یا انقطاع های دوری. در اصطلاحات عرفانی "در "نمودی از مطالعه و محو اعمال گذشته و تکاپو در سیر به سوی خداوند و تمکین از احکام سلوک و ایثار در راه محبوب است . باب الابواب نیز در تعابیر عرفانی به معنای توبه می باشد؛ زیرا توبه، نخستین چیزی است که انسان به وسیله آن وارد در قرب کبریایی می شود .بارسیدن وقت نماز هر کسی از هر صنف و طبقه ای به آن وارد می شود و این مدخل نماد باند حرکت از کثرت به وحدت است.

هشتی مسقف ورودی، محلی تاریک است که ناگهان چشم نمازگذاران را از روشنی به تاریکی می رساند .این فضا به لحاظ هندسی، منتظم و مرکزگرا می باشد و نمازگذاران را به مکث فرا می خواند .تاریکی فضای هشتی به همراه فضای روشن بیرون در قدرت بینایی و ادراک، مکث و وقفه ایجاد می نماید .اگر از پشت سر خویش به درگاه نظری بیاندازیم به دلیل سرشت نور، چیزی از

آن چه در بیرون مسجد واقع می شود را نمی بینیم و به دنبال توقف در هشتی و عادت کردن چشم به روشنایی کم سوی آن، از قالب روزنه ای که رو به حیاط باز شده گنبد خانه هویدا می گردد .مشاهده فضای گنبدخانه که جلوه گاه جمال حق است از پس روزنه هشتی که حجاب میان شاهد و مشهود است میسر می شود .در این میان هرکس متناسب با دارایی های ذهنی خود معنایی را نصیب خود می نماید.

محراب:

محراب نیز که از دیگر عناصر مسجد محسوب می‌شود حامل معانی نمادین بی شماری است. هرچند محراب عنصری است که در مذاهب دیگر از جمله مسیحیت نیز وجود دارد. در واقع محراب مکانی است که فرشتگان در آن برای مریم مقدس طعام می‌آورند. قندیلی که در بالای محراب آویزان می‌شود نیز به مثابه همتایی برای واژه «مشکوه» در نظام نمادپردازی در قرآن است. خداوند در سوره نور می‌فرماید : «الله نورالسموات و الارض مثل نوره مشکوه فیها مصباحٌ المصباح فی زجاجه الزجاجه کانها کوکب دری» ... «خدا نور آسمانها و زمین است. مثال نور او مانند طاقچه یا چراغدانی است که در آن چراغی است و چراغ در شیشه‌ای است و شیشه گویی ستاره درخشانی است که از درخت پربرکت زیتون که نه شرقی و نه غربی، افروخته می‌شود که نزدیک است روغن آن روشن شود وگرچه آتش بدان نرسد که نور بالای نور است. خدا هرکه را خواهد به نور خویش رهنمون شود.»۲۲ گاه محراب را به مثابه دروازه بهشت نیز بیان کرده‌اند. به طور کلی می‌توان گفت در هنر اسلام دین و معانی و مفاهیم حکمی نهفته در آن به عنوان عامل اصلی در شکل گیری این هنر محسوب می‌شود و هنر نیز در این زمان تبدیل به زبان عمیق حکمت‌های بشر شده است. در واقع این هنر بر علمی باطنی متکی است و ظاهر و حیث محسوس اشیا و پدیده‌ها را مد نظر ندارد. هنر اسلام با نمایاندن باطن پدیده‌ها سعی در ایجاد ارتباط با «خزاین غیب» می‌کند که وجه حقیقی خلقت هستند. این هنر وجه ناتورالیستی و طبیعت گرایانه را به کناری می نهد آنچنان که در نگارگری و حتی تصاویر نمادین این هنر کاملا قابل مشاهده است و سعی در نمایاندن اصول اساسی پدیده‌ها دارد.

محوری ترین بخش در معماری مسجد، محراب است .این واژه به معنای محل جنگ و جهاد است از منظر راغب اصفهانی در المفردات، محراب از آن رو که محل نبرد با شیطان و هوای نفس است، ا ین نام را به خود گرفته است .اما محراب نه تنها محل جهاد با نفس که پناهگاه امن و قرارگاه سکون جان(بلخاری قهی۱۳۸۸)

محراب با ساخت و پرداختی استادانه شکل میگیرد و کانون معماری در کل ساختمان مسجد است .محل تجلی ارزنده ترین هنرهای تجسمی ازجمله گچبری، کتیبه کاری، مقرنس، اسلیمی و انواع کاشیکاری در طول زمان بوده است و با اینکه به منزله جزئی از بنای مسجد میباشد، در عین حال به عنوان یک واحد مستقل هنری مورد توجه هنرشناسان قرار گرفته است .محراب در معماری اسلامی در واقع همان آتشدان است و برعکس درتمدن دیرین، به آتشدان نیز باید به چشم محراب نگریست. شکل محراب با طاق هایش نماد گنبد آسمان و سطح آن با گودی خود یادآور غار دنیاست .کسی که این فضای نمادین میان آسمان و زمین را پرمی کند همان کسی است که رهبری و هدایت مردم را به سوی قبله می پذیرد و صدایش در فضای محراب پیچیده و به گوش سایرین می رسد .محراب در دیوار قبله مقدم بر همه عناصر قرارگرفته است .محراب کانون معماری در کل ساختمان مسجد است و واحد مستقل هنری به شمار می آید .ازنظر فنی و نظری محراب نمایان گر قلب مسجد است .محوری ترین بخش در معماری مساجد محراب می باشد .این واژه به معنای محل جنگ و جهاد است .از منظر" راغب اصفهانی "در" المفردات :"محراب از آن رو که محل نبرد با شیطان و هوای نفس می باشد، این نام را به خود گرفته است؛ اما محراب نه تنها محل جهاد با نفس که پناهگاه امن و قرارگاه سکون جان و آسایش روح است .ایجاد تعادل میان دعا و دل. محراب نشانی از رکوع، خضوع و فروتنی می باشد .محراب دارنده یک انحنا و خمیدگی هماهنگ با کل هستی و نظام آفرینش است .محراب محل تجلی ارزنده ترین هنرهای تجسمی ازجمله :گچبری، کتیبه کاری، مقرنس، اسلیمی و انواع کاشیکاری درطول زمان بوده است .استفاده از تزیینات خاص در زیباسازی محراب مساجد نشان گر اهتمام به مباحث معنوی و عرفانی است و درنهایت وحدت و یگانگی خداوند را به تصویری می

کشاند .رازآمیزترین و پرشکوه ترین عنصر تزئینی محراب، مقرنس است .مقرنس تمثیلی از فیضان نور در عالم مخلوق خداوند می باشد که همچون چهلچراغ، نور رحمت و معنویت را برجان نمازگزاران می گستراند.

تصویر(۱) محراب مسجد جامع اصفهان دوره صفوی

تصویر(۲) محراب مسجد جامع زواره

تصویر(۳)محراب مسجد ورامین

تصویر(۴)محراب مسجد تبریز

مناره مسجد گز اصفهان،مربوط به عصر صفوی

مناره:

وجود مناره که بهتر است ماذنه بگوییم برای این است که مادر معماری مسجد به یک محل بلندی نیاز داشتیم که دیگر در محوطه خود مسجد نمی توانست باشد .دو عامل در طول تاریخ روی ساختار معماری مسجد تاثیر گذاشت. اول، افزایش کاربردهای معنوی مسجد؛ مانند اذان «الله نور السموات و الارض مثل لوزه کمشکوه فیها مصباح المصباح فی زجاجه کانها کوکب دری...». این نکته‌ایست که ظاهراً بین معنی تمثیل مسجد و کلیسا و کنیسه یهودی و شاید همچنین معبد پارسیان مشترک باشد.همچنین معماری مسجد یک معماری مقدس مبتنی بر ریاضیاتی شد که یونانیان در ساختن تئاترهای خود از آن استفاده می کردند.در تئاتر یونان، تئاترهایی طراحی شد که وقتی بازیگران روی سن صحبت می کردند در تمامی پلکان های

اطراف صدا شنیده می شد.یک نوع ساختار هندسی بسیار خاص که صدا را نه تنها در یک جهت خاص پخش می کرد، بلکه تن صدا را نیز بالا می برد.نمونه معماری مقدس این ساختار هندسی در مسجد امام اصفهان است.در زیر گنبد اصلی این مسجد منبر را قرار می دادند تا صدا رساتر شود.بنابراین یک سری کارکردهای جدید برای مسجد به وجود آمد که این کارکردها در معماری آن نیز تاثیر گذاشت.اما نقش دوم، گسترش مبانی عرفانی در اسلام بود.این مبانی عرفانی، معمارانی را به وجود آورد که این معماران فتوت نامه هایی دارند. در این فتوت نامه ها آمده است؛ معمار باید با وضو سرکار برود، باید اهل سیر و سلوک باشد، با نماز وارد فضای کار مسجد شود و...

مناره یا منار به بنای بلند و کشیده اطلاق می شود که عموماً در کنار بناهای مذهبی، مدارس، مساجد و مقبرهها ساخته می شد . در قبل از اسلام از مناره به عنوان عنصر راهنما استفاده می کردند، این جزء باریک و بلند گاه نیز معرف وجود آتشکده و آتشکدههای بزرگ بوده است که به آن میل می گفتند مانند میل نورآبادو میل فیروزآباد .در دوره بعد از اسلام مناره ها ابتدا به صورت ساده و منفرد برای گفتن اذان کاربرد داشت، درگذر زمان ضمن پذیرش کاربردی فنی، در جنب سردر ورودیها و جنب ایوانهای اصلی مساجد و سایربناهای مذهبی به صورت عنصری نمایشی و تزیینی نیز درآمد و جنبه نمادین به خود گرفت.(خسرویجردی و دیگران۱۳۹۳)

عنصر مناره در مساجد اولیه عنصری پایه محسوب نمی شده است. با بهره گیری از پیشرفت فن ساختمان و همچنین با تجرد بیشتر مفهوم الوهیت نزد انسان، دو اقدام در جهت افزایش حرمت و قداست منارصورت پذیرفت :اولا راه پله مارپیچ بیرونی به درون منار منتقل شده و به تعبیری منار در ظاهر بیرونی به فضای کاملا غیر قابل دسترسی بدل می گردد وثانیا نسبت ارتفاع به سطح قاعده بیش از پیش افزایش یافته و منار به بنایی سرکشیده به اوج آسمان ها بدل می گردد که در منتهای خود به انفجاری نورانی و فرمی ختم می شود که به زیبایی " گلدسته " خوانده شده است .همچنین در ادامه با بهره گیری از ذهن انتظام بخش معماران ایرانی، منار بیش ازپیش مفهومی نمادین و در عین حال عملکردی یافت به این ترتیب مشاهده می شود که دو ویژگی" عظمت "و "دور از دسترس بودن "مفهوم الوهیت نزد انسان که ابتدا در قالب زیگورات وسپس در فرم منار تجلی یافته است، در طول تاریخ و به فراخور رشد و بالندگی تفکر در باب معبود ترقی یافته و به گونه کنونی آن رسیده است مناره در پیوند با مفهوم نور الهی، رابطی میان زمین و آسمان و راهنما و هدایت گر انسان به سوی منشأ اصلی وجود او و به مثابه تجسمی از تسبیح الهی،پیوندی مفهومی برقرار ساخته و از بعد معنایی با توجه به دیدگاه اساطیری و باورهای ایرانیان باستان و نیز به واسطه دیدگاه قرآن، معنی مترادفی می یابد.

تعریف گنبد:

در لغتنامه دهخدا تعریف گنبد این چنین ذکر شده است «گنبد(گُم ب(اِ)پهلوی گومبت(گنبد، قبه)در تهران و اراک (سلطان آباد)گنبذ، معرب آن» جنبذ « معج مالبلدان در» جنبذ « و «جنبذه» اصلاً از آرامی و سریانی مأخوذ است نوعی از عمارت باشد مدور که از خشت و گل و آجر پوشند(.برهان)(آنندراج .)لفظ دیگر فارسیش دیر است. (فرهنگ نظام .)جُنبُد . جُنبُده یا جُنبَد .قُبّه(.منتهی الارب .)شَنب »(همان منبع:۹،۱۳۹۳)در فرهنگ لغت عمید در معنای گنبد ای نچنین ذکر شده

است» :(اسم)پهلوی (gumbat :)گنبده، جنبذ، شنب ،سقف یا ساختمان بیضی شکل که غالباً با آجر بر فراز معابد و مساجد و یا قبور و آرامگاه ها می سازند .گنبد کبود(لاجوردی[قدیمی، مجاز]آسمان
گنبد گل"غنچه گل گنبدطلارونی:آسمان»
تعریف هندسی گنبد :در تعریف هندسی، گنبد مکان هندسی نقاطی است که از دوران چفدی مشخص حول یک محور قایم به وجود می آید .اما در زبان معماری، گنبد پوششی است که بر زمینه ای گرد بر پا شود .(مجیدی۱۳۹۱)

جایگاه گنبد در معماری ایرانی اسلامی:

گنبد ایرانی جدا از معنای ویژه ای که نزد معماران دارد، همواره در نهاد هر ایرانی حس تعلق را زنده کرده است .گنبد ایرانی با روح ما پیوندی عمیق دارد، این حس را چه در به تماشا نشستن آن از بیرون و چه با غرق شدن در آسمان گنبد ازدرون بنا می توان یافت .در فرهنگ و معماری ایرانی فرم گنبد همواره از جایگاهی خاص برخوردار بوده تا جایی که می توان گنبد را یکی از نمایندگان معماری ایرانی -اسامی خواند. سابقه ساختما نهای گنبدی به هزاره سوم پیش از میاد و منطقه میان رودان می رسد. نمونه ی این گنبد ها در زیگورات چغازنبیل وکاخ ساراگون قابل مشاهده هستند .اما در این فرم ها به مرور زمان تغییرات زیادی ایجاد شدکه حاصل پیشرفت چشم گیر معماری ایرانی در ساخت اینگونه بنا بود .برای استفاده از فرم گنبدی در معماری ایرانی می توان دو دلیل عمده را برشمرد(اشرفی ۱۳۹۲)

۱)جایگاه اعتقادی و ویژه شکل کروی در فرهنگ ایرانی
۲)مصالح در دسترس معماری

برای فرم گنبد همواره معانی ویژه ای ذکر شده است، این معانی نمادین در برخی فرهنگ ها با یکدیگر اشتراکاتی نیز دارند . ساختمان مربع یا مستطیل شکل که بشن خوانده میشود را نماد زمین و زمینه گنبد را نماد آسمان خوانده اند. در معماری ایرانی گنبد را بدون استفاده از قالب می ساختند ولی در عین حال نظم حاکم بر آن،آ نچنان دقیق است که در برابر انواع نیروهای لرزه ای و رانشی بهترین مقاومت را از خود نشان میدهد .از نکات برجسته ای که در مورد فرم های ساختمانی گنبدی باید به آن اشاره نمود خاصیت ایستایی این نوع ساختمان ها است .گنبدها که بنا به تعریف دارای شکل هندسی دورانی، باانحنای دو جانبه هستند، نیروهای وزن و سایرنیر وها را اساسا با مکانیزم نیروهای غشایی به تکیه گاه منتقل میکنند .فرم هندسی گنبدها دارای این ویژگی است که معمولا کمترین تنش کششی در این فر مها به وجود می آید بنابراین،ساختن گنبد ها با مصالح ساختمانی که قابلیت تحمل نیروهای خمشی را ندارند کاملا امکا نپذیر است .از دیدگاه تکامل فر مهای ساختمانی، فرم های گنبدی دارای فر مهای ساختمانی، فرم های گنبدی دارای قابی و حتی فرم های ساختمانی طاقی هستند.

نماد گنبد:

گنبد نماد کعبه و بیت المعمور است. کعبه دل رسول ا... و دل مومن است. کعبه جایی است که علی (علیه السلام) در آن متولد شده، یعنی جایی که انسان کامل در آن ظهور پیدا می‌کند. مسجد شیخ لطف ا... مثل شطحیات است. زیر گنبد این مسجد نقش پر طاووس را می‌بینید. طاووس نماد سیمرغ است. سیمرغ نماد انسان کامل است. در حالی که در مساجد دیگر خیلی پوشیده صحبت می‌شود. شمسه وسط گنبد نیز نماد انسان کامل است. اگر شما زیر گنبد مسجدشیخ لطف ا... بایستید، شما نقش طاووسی با پرهای بازشده می‌بینید ولی تلالو نور نقش طاووسی با پرهای بسته شده را به شما نشان می‌دهد.

انواع گنبد در ساختار بناهای سنتی ایران:

قابی و حتی فرم های ساختمانی طاقی هستند. فرم به دو گروه اصلی تقسیم می شود(پیرنیا۱۳۶۵).**گنبد نار:** رایج ترین نوع گنبد در ایران است .فرم این نوع گنبد کروی است و پوشش اصلی سقف اکثرمساجد مهم ایران نظیر مسجد جمعه، مسجد امام و مسجد الله وردیخان در اصفهان و مسجدجامع یزد و مسجد و مدرسه آقابزرگ در کاشان می باشد.این گنبدها به صورت دو پوسته اجراگردیده است.

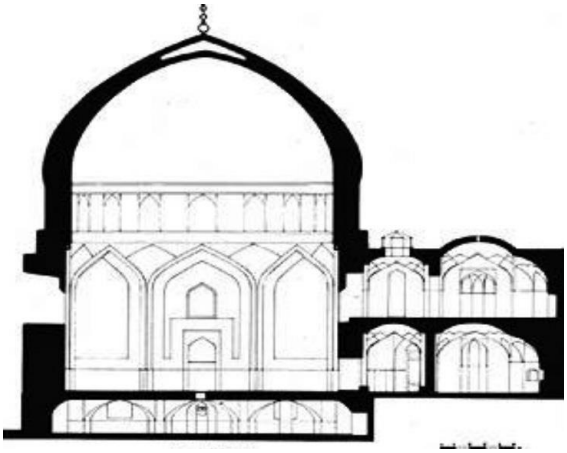

تصویر(۷)گنبد مسجد شیخ لطف الله ،نمونه از گنبد نار(دوپوسته پیوسته)منبع :گنجنامه و نگارنده۱۳۹۳

گنبد رک:گنبد رک به صورت هرمی یا مخروطی است وغالباً بر روی یک پایه استوانه ای و یا منشوری قرار م یگیرد .معروف ترین این نوع، گنبد قابوس است.

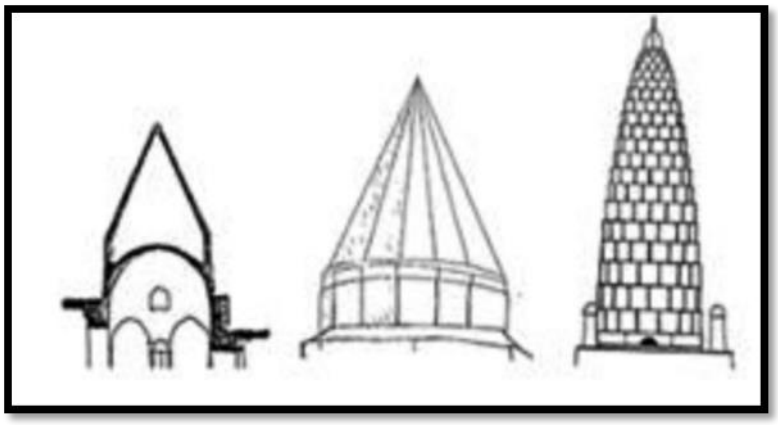

تصویر(۸)سه گونه عمده گنبد های رک در ایران(پلکانی،هرمی و مخروطی)منبع:زمرشیدی۱۳۷۳

شاخص های شکل دهنده در گنبد مساجد:

مسجد مرکز تجلی و محل تلاقی و در اصطلاح گنجینه و نمایشگاه انواع هنرهای اسلامی است .از جمله دلایل سازگاری اسلام با هنر ،ملاقات این دو مسجد است .در بنای بسیاری از مساجد ،هنرهای مختلف به هم در آمیخته است. معماری در توازن اجزاء کوشیده ،نقاشی به نقوش به نقوش و الوان و کاشی ها توجه کرده است.بدین گونه مظاهر گوناگون فرهنگ و هنر اسلامی در طی قرن های دراز چنان در بنای مسجد مجال ظهور یافته است که یک مورخ می تواند از مطالعه ی در مساجد تصویر روشن تری از تمدن و تاریخ اقوام مسلمان عالم را پیش چشم خویش مجسم کندگنبد به عنوان یکی از اندام های اصلی و عنصری مهم در معماری بناهای سنتی ایران،ابعاد گوناگونی دارد .مطالعات انجام گرفته نشان می دهد که ایران نه تنها منشاء پیدایش گنبد بوده است، بلکه گنبدهای ایرانی وجوه تمایز شایان توجهی در مقایسه با گنبدهای ساخته شده در سرزمین های دیگر داشته است .ایرانیان نه تنها براساس نیاز به وسعت فضا برای برگزاری آئین های معنوی، بلکه با وقوف به رفتار مصالح ساختمانی، توانسته اند با ابداع روش ها و فن آوری های نوین، ابتکار ساخت گنبد را بر عهده گیرند.(سادات مجیدی۱۳۹۱)

حکمت معماری ا سلامی

آموزه های معنوی و باورهای فرهنگی ،زیر بنای برپایه یک معماری ارزشمند و پویاست. از این رو باز شناسی دستاورهای شکوهمند معماری اسلامی بدون آگاهی از مبانی اندیشهای و زیر ساختهای اجتماعی امکان پذیر نخواهد بود . کسانی که نا آگاهانه معماری اسلامی را مستقل از معنویت وحکمت می خوانند ،ناخود آگاه راه پیشرفت و تعالی آنرا مسدود می نماید . به

منظور درک هر چه بهتر این روندتکاملی باید در نظر داشت که « معماری کهن وپر رمز و راز ایران زمین ، بی ادب و فرهنگ مردمانی که خشت ورنگ آنها را پایدار داشته اند، فهم نمی شود»(فلاکی ، ۵۲۴،۱۳۷۱).از این رو در بازشناسی هر اثر معماری باید توجه داشت که ازیک سو مفاهیم معنوی حاکم بر جریان طراحی سازنده ویژگی های کالبدی بنای نهایی است و از سوی دیگر هر فضای ساخته ،بصورت جامع معرف تنوع شناخت و پیش فرضهای طراحی است . بنا براین مبانی فرهنگی بستر شکل گیری بنا ،خصال معنوی سازنده وفضای ساخته ،عناصر اصلی شکل یابی مفاهیم معنوی در کالبد مادی بناهای معماری است(مهدوی نژاد۶۱،۱۳۸۳)حکمت معماری ا سلامی مرتبه ای است ،که در ان نیاز های مادی و معنوی به صورت یکسان پاسخ می گوید. سید حسین نصر در تبیین مفهوم حکمت در فرهنگ اسلامی می نویسد :«بااین تعاریف « که ملا صدرا در کتاب رسایل داده است « ،حکمت نوعی دانش ناب عقلانی است که داننده خود را در روند دانش اندوزی به گونه ای دگرگون می سازد که روکش بدل به آیین های می گردد که سلسله مراتب کیهانی در ان انعکاس می یابداین مرتبه که ملاصدرا آن مقام حکمت می خواند ،مقامی است که در آن انسان شایسته خلق معماری و یا هر اثر هنری دیگر می شود و هر آنچه که می افریند سرشاراز پاسخ هایی روشن و مناسب به خواستهای مادی و نیازهای معنوی است .معماری اسلامی حاصل معنویتی است که به مدد اندیشه پاک معماران کشور های اسلامی اندک اندک به شکوفایی رسید ؛ تا جایی که در مکتب اصفهان به بالاترین درجه شکوفایی و سازمندی دست یافت ،مرتبه ای که از آن می توان به تبلور حکمت معمار اسلامی یاد کرد. حکمت معماری اسلامی منجر به نهادینه شدن سنتی شد که آثار معماری این دوران را ، به یادگاری های جاودانه واستوار تبدیل ساخت آنچه امروز از آن با عنوان معماری اسلامی ایران یادمی شود ، ادامه سنتی است که توانسته ،با تکیه بر آموزه های معنوی ،حکمت ناب اسلامی رابا زبان رمز واشاره در کالبد مادی عالم ظاهر متجلی می سازد.معماری ایران بعد از اسلام دارای ویژگی خاصی است و واقعا حکمت وحیانی را در قالب معماری بیان کرده است. حکمت، بینش الهی است و در واقع باطن وحی است و به بهترین وجه در معماری ایرانی اسلامی نمود دارد. به طور کلی معماری اسلامی هر جا که اسلام نفوذ کرده متجلی شده است و به نظرم این یکی از بزرگ‌ترین معجزات وحی است که وحی می‌تواند هنر را متحول کند و در واقع حکم کیمیا دارد. معمولا مراد از کیمیا این است که مس را تبدیل به طلا می‌کند اما کیمیای معماری بالاتر از کیمیا به معنای متعارف است برای اینکه خشت، خاک و گل و ... را تبدیل به آثار هنری کرده است که بسیار باارزش است .هنرمند اسلامی با الهام گرفتن از باطن وحی توانسته است همان مبادی وحی را، هم اصول و هم فروع را در هنر و خاصه در معماری به کار ببرد.

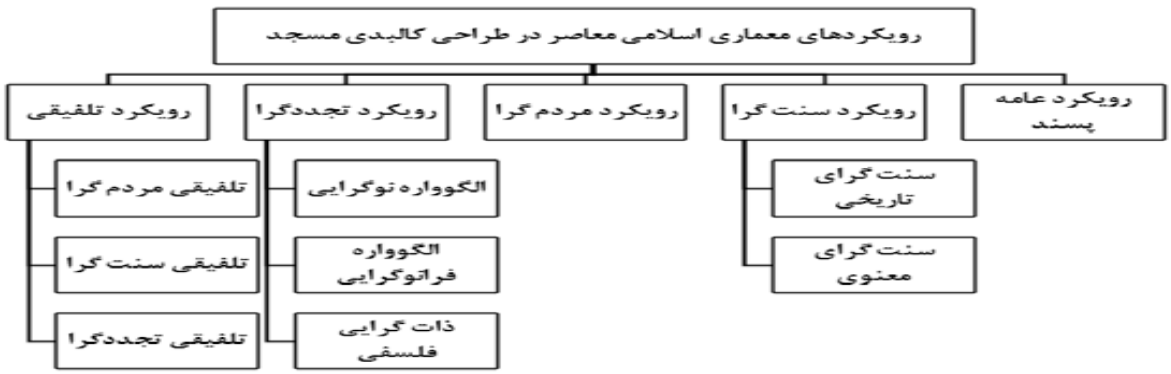

فلسفه گنبد در مساجد:در فرهنگ اسلامی گنبد دارای تجلی زنده ای از جهان شناسی اسلامی است . به وسیله معانی سمبلیکی،مفاهیم مرکز،دایره و نهفته در گنبد به تمامی واقعیت می پیوندند.یک اربتاط اساسی در این مورد که تاکید زیادی بر آن می شود،ایده «روح»است که همزمان همه موجودات را فرا می گیرد،همان گونه که گنبد فضای محدود به خود را در بر می دارد و طاق آسمان که همان آفرینش را احاطه می کند .عبور این روح از نوک گنبد سمبل وحدت است. این عبور را می توان به طرف پایین و دارای انبساط به سمت کثرت یا به طرف بالا و دارای انقباض به سمت وحدت دانست.گنبد یک شکل از صورت زنده است ایده ای است که در امکانات مادی تجلی می کند در پیشینه صحرانشینی ،گنبد شبیه به ساختما نهای گنبدی است

که از اسکل های گرد چوبی ساخته می شدند و روی آنها با پارچه یا پوست پوشیده می شد، پس از گسترش گنبدهای چوبی توسط انسا نهای شهرنشین، معماری آجر و سنگ به عنوان ادامهٔ آن آغاز شد و شکلهای قابل احترامی با مواد و مصالح دائمی و سنگین ساخته شد .مهارت و استادی معماران باعث سبک ترشدن وزن گنبد شد زیرا معیار بارز زیبایی درگنبدها همان سبکی اشکال آنها بود، چه از نظر مواد سازندهٔ آن و چه از نظر دیدگاه چشم .زیرا تقلید سنگینی تنها هنگامی کامل می شود که با سبکی ازلی «چادر کیهانی » که از آن منشأ می گیرد، هم ساز شود الگوها و رنگها، هم داخلی و هم خارجی، می توانند در این سبکی نقشی داشته باشند .چر خهای کیهانی یا مندل ها، مانند شکوفه های ایجاد شده توسط هندسهٔ دایره روی سطوح گنبدی نمایان می شوند .رنگها، ملایم و آرام، تصور عقل را ایجاد کرده و به شور وهیجان نفس اشارت دارند . این رنگهای سفید، سبز، آبی، فیروزه ای و طلایی یا حاصل آجرکاری و گچبری یا ترکیبی از آنها هستند. گنبد در همهٔ تجلیاتش محل «عرش الهی »، پذیرای عقل و آزاد از زمان در شکل است.گریو گنبد ،هشت گوشه زیر آن سمبل هشت فرشته حامل عرش الهی و پایه چهار گوش زیرین نمودار جهان ،با چهار ستون کناری به عنوان عناصر آن است.(محمدی۱۳۹۳ و دیگران)

پیوند معماری سنتی گنبد و حکمت اسلامی:

در ساخت گنبد و یا ساختن یک فضا، اصل توحید را می‌توان دید و نمودی از اصل نبوت و ولایت را می‌توان در آن متجلی دید. فضا، فضای مقدس است یعنی شما وقتی که از یک فضای بیرونی وارد فضای مسجد می‌شوید وارد یک فضای مقدس الهی می‌شوید که شما را به عبادت دعوت می‌کند و ما را در فضایی روحانی قرار می‌دهد و آماده عبادت می‌کند گویی عینا در حضور خداوند هستیم. بر روی این امر تأکید می‌کنم که معماری سنتی چه در خانه، چه در بازار، چه در مسجد طوری است که معماری غیبت نیست، بلکه معماری حضور الهی است. این ویژگی‌ها در معماری سنتی ادیان دیگر هم دیده می‌شود مثلا وقتی که وارد کلیسای نوتردام در پاریس می‌شوید که متعلق به هزاران سال قبل است در آن انگار حضور الهی و تمام مراتب طولی وجود را ادراک می‌کنید و خود را در حضور حق و فرشتگان می‌بینید یعنی فضا این قدر مهم است و طوری ساخته شده که هنرمند روح و باطن وحی را در آن متجلی می‌کند. به طور کلی می‌توان گفت فضاهای سنتی چه خانه، چه بازار که محل دنیاست، چه میدان مثل میدان امام اصفهان، چه مسجد و ... همیشه و کم و بیش حضور الهی را تداعی می‌کند؛ البته در مسجد این حالت بیشتر احساس می‌شود(اعوانی ۱۳۹۰). معماری اسلامی برگرفته از زبان قرآن است و عمق و غنای تمدن اسلام را با بهر ه گیری از روح معنویت نشان می دهد .این امر به گونه ای است که اعتقاد به توحید و ایمان به تعالیم اسلام به عنوان اندیشه زیبایی شناسی دین اسلام در معماری اسلامی تجلی می یابد .آنچه آثار معماری اسلامی را با تمام گون هگونی ها در یک مجموعه در کنار یکدیگر تعریف میکند معماری اسلامی ایران به مثابه کارآمدترین ابزار خلق فضا، نه تنها می تواند راه گشای معماران جوان این سرزمین باشد بلکه به سبب تکیه بر اصول و باورهای معنوی مردمان این سرزمین می تواند، در تعریف ژرف ساخت های نظری یک معماری اسلامی پیشرو مناسب برای نیازهای روزآمد مورد استفاده و بهره برداری قرارگیرد . بدیهی است که ترسیم افق های جدیدی برای معماران اسلامی ایران، تنها با تکیه بر اصل حکمت به مثابه پیشروترین اصل معماری اسلامی، امکا ن پذیر خواهد بود. اصل حکمت جوهره اصلی تعریف معماری است و هر آینه می تواند به عنوان محک و سنجش درستی مسیر و راهبردهای انتخاب شده، برای معماری معاصر، به کار گرفته شود .حکمت معماری اسلامی ناظر بر این معناست که اگر انسان به سوی ادراک مفاهیم جاودان الهی حرکت نماید؛ یا کوشش کند آموزه های معنوی را در بناهای خویش مورد استفاده قرار دهد،به صورت ناخودآگاه تمامی نیازهای فیزیکی و مادی او نیز برطرف می شود .بنابراین یک معمار به جای آن که خود را درگیرخواس تها و نیازهای کالبدی بنا نماید، کافیست به پرسش های معنوی بنا پاسخ مناسبی دهد که همین پاسخ ها، در مرحله نخست، برطرف کننده نیازهای فیزیکی و عملکردی بنا خواهد بود.معماری یکی از هنرهای اسلامی است که خصوصیات هویتی اسلام را در خود جای داد و تقریباً تمام خصوصیات هنر دینی را با خود به همراه دارد. در سرزمین‌های اسلامی خانه‌ها را طوری بنا می‌کردند که برای زندگی کوتاه انسان مناسب باشد. برای معماری بنای خانه‌ها بیشتر به کارکردهای منطقی بنا تا مسأله جاودانی آن توجه می‌شد و شاید به همین دلیل باشد که منازل و خانه‌های ادوار گذشته کمتر باقی مانده‌اند، مگر تعدادی معدودی که آن‌ها هم از لحاظ جنبه معنوی محافظت شده‌اند مانند خانه حضرت زهرا (س) در

مدینه و یا خانه حضرت علی(ع) در کوفه، که باز هم حکمت معنوی حاکم بر بنا موجب ابقای آن شده است .اما خانه‌های خدا امری جدا از این امر بوده‌اند. خداوند خود جاوید است پس باید محل عبادت او نیز جاودان باشد. به همین دلیل در اسلام به معماری مساجد بسیار اهمیت داده شده است و بنای معماری مساجد را به زیباترین هنرها می‌آراستند. در واقع مساجد جلوه‌ای از هنرهای اسلامی هستند(اعوانی ۱۳۷۳)واضح‌ترین نماد وحدت در عین کثرت. گنبدخانه از نظر فضا و معنا اصلی‌ترین بخش مسجد است. از نظر فضا بیشترین اتفاقات شکلی مسجد نیز در گنبدخانه اتفاق می‌افتد. "همه اجزا کمک می‌کنند تا معماری به گنبدخانه ختم شود. گنبدخانه مرکز وحدت است و همه چیز از رواق و هشتی و... می‌آید و به گنبدخانه منتهی می‌شود. گنبد هم چشم و ذهن شما را به یک سمت می‌برد. ارتفاع بلند آن هم مرتبگی و تعالی را به یاد می‌آرود. وقتی زیر گنبد قرار می‌گیرید درمیابید چقدر کوچک هستید و این مقیاسی است برای اینکه بدانید که هستید و جه اندازه‌ای هستید. در فضاسازی مساجد البته بیشتر وجه مثبت لحاظ شده تا منفی .هیچ دینی به اندازه اسلام به کرامت انسانی اهمیت نمی‌دهد.

هنر اسلامی و سنتی:

هنرهای سنتی گوناگون ایران را میتوان بازنمایی واحد در صور گوناگون داشت .همه آنها به مفاهیمی مشترک دلالت دارند که آمیزه ای از باورهای ایرانی و اسلامی است، زبان این هنرها نمادین است و هنرمند در اثر خود با ابزار تمثیل با هر هنر سخن می گوید .هنر معماری را باید جایگاه نمادها در هنر ایران دانست. این وحدت معنا در عین کثرت صورت ها را می توان مهم ترین ارزش نهفته در هنر ایران دانست که ضمن پدید آوردن انگاره های زیبا، درک معانی نمادها را از طریق ایجاد رابطه جانشینی میان آنها ممکن می سازد به باور کاسیرر، به نقل از صارمی، مستقیم ترین و بی واسطه ترین رابطه میان انسان و فرم را می توان در هنر یافت و از نظر وی، معماری، جهت دارترین و بی واسطه ترین فرم نمادین است .بنابراین معماری قادر است از طریق عناصر و رابطه بی واسطه میان فرد و خود، معنا را به بیننده انتقال دهد .این تجربه فضایی به مفاهیم تاریخی و معنی معماری اشاره دارد هنرهای سنتی ایران با وجود تنوع در صورت، از یک معنا سخن می گویند و به مفاهیمی مشترک دلالت دارند که آفریده ای از باورهای ایرانی و اسلامی است .به طور کلی هنر دینی مبتنی است بر رمزپردازی(سمبولیسم)و زبان هنرمند زبان تمثیلی است .از جمله جایگاه های تجلی نمادها و به ویژه در ایران، هنر معماری است(فرشید نیک ۱۳۸۸)

نمونه های از گنبدهای مساجد شاخص ایران و رابطه انها باهم از نوع برقراری حس معنویت در انسان:

تصویر(۹)گنبد مسجد امام اصفهان

تصویر(۱۰)گنبد مسجد شیخ لطف الله

مسجد کبود تبریز

گنبد دو پوسته گسسته گلپایگان

گنبد مسجد بسطام و مسجد تظنز در دوره ایلخانی

گنبد مسجد شیخ لطف

رابطه بین معماری گنبدو مناره مساجد دوره های مختلف با حکمت سلامی:دوره سلجوقی: نمونه موردی:ساختمان گنبد عهد سلجوقی متعلق به اوایل قرن ششم هجری قمری بوده و صحن مسجد جامع گلپایگان بدون احتساب هشتی‌ها، حجره‌ها و رواق‌ها حدود ۱۶۰۰ متر مربع مساحت دارد و ارتفاع گنبد مسجد ۲۲ متر و ابعاد گنبد از داخل ۱۲ در ۱۲ متر است با توجه به معماری گنبدها قبل از اسلام و نمونه های از گنبدهای دوره های اسلامی که تصویر آنها نمایش داده شد در می یابیم که در هر دوره هنر سنتی و معماری ساخت گنبدها از پیشرفت کالبدی در جهت پیوند رو به ملکوت ارتقا یافته است و در

کنار خود مناره ها را قرار داده ارزش آن دو برابر افزایش پیدا کند. با توجه به نوع ساخت گنبدها در ادوار مختلف پیوند آن را با حمکت اسلامی در جهت ادراک مفاهیم جاودانی و آموزهای معنوی و برطرف کردن نیازهای فیزیکی و مادی می توان معماری اسلامی می کوشد با کسب شناخت حقیق از جهان هستی و مرتبه فنای فی لله رسیده،جریان حکمت الهی را در وجود خویش باز پروری نمایدو این زمان است که حکمت معماری اسلامی به مد تو می اید در درجه تعالی ارتقا می بخشد(مهدوی نژاد۱۳۸۳)

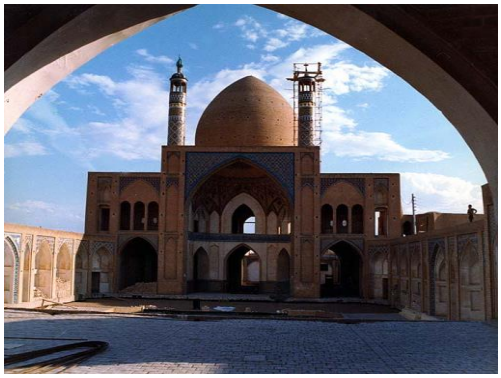

رابطه بین مناره و گنبد از نظر حمکت اسلامی:

در معماریِ مساجد یک مناره، نماد منار و گنبد می تواند بازماندهی بخشی از نماد سه گانه ی مقدس باشد، و منار نماد درخت زندگی است که در آن دو نیروی جانبی که میتوانند نماد جو باشند، نشان داده نشده است. به عبارتی یک َمنار یادآور درخت زندگی زیر سقف آسمان است. اما دوَمناره و یک گنبد و زمینی که فضای مقدس زیر گنبد را دربرمیگیرد، یعنی بنای یک مسجد با تصور سه بعدی آن، میتواند نماد گنبد آسمان، زمین و جو باشد؛ همان سه گانه ی مقدسی که دو نیروی نرینه ایزدبانوی مادر(زمین) را زیر سقف آسمان در برگرفته اند. این دو نیروی محافظ میتوانند همان نماد جَو باشند، که سابقهی گسترش باورهای آن در فرهنگ ایران باستان بسیار زیاد است. شاید چنین تفسیری از این جفت نمادین در معماری ایرانی با توجه به تاریخچه ی یادشده ما را در روشن شدن این مسئله رهنمون باشد و رمز چنین الگوی معماری مقدسی با توجه به ریشه ی فرهنگی آن، یعنی سه گانه ی مقدس گشوده شود. در معماری یک گنبد و دومنار، ظاهراً سه عنصر گنبد، زمینی که در زیر آن، فضایی مقدس ایجاد میکند و دومنار را داریم. شاید این الگوی سه گانه را بتوان در دیگر نقشها و تصاویر هنری هم ریشه یابی کرد. جدا از معنای اسلامی این سه گانه در معماری مساجد، اگر این سه عنصر را نخست به این صورت تقلیل دهیم که گنبد (نماد آسمان) و زمین زیر آن با دو مناره (نماد جو) نگهداشته میشود(پورجعفری ۱۳۸۰).

تزیینات:

تزئینات تکمله بیان احساس قدسی و فزاینده معنی است که ریشه در اعماق فرهنگ ایرانی و اسلامی دارد تزئینات جزء جدانشدنی و عمده در معماری اسلامی است و شاید کمتر بنای مذهبی وجود داشته باشد که تزئینی در آن نباشد .از سده دوم و سوم هجری درعصر سلجوقیان غنی ترین طرح ها و فرم های تزئینی در دیوارها و پوشش ها، سقف ها و مناره ها ابداع شد .اما نکته اصلی در این باره یکی شدن ساختار و تزئینات در بنا است، به طوری که تزئینات چیزی جز از خود بنا و الحاقی آن نبوده است و این به استحکام اصلی بنا نیز کمک می کرده است. اصول ایجاد تزئینات بسیار متنوع است و کاملا به نبوغ، خلاقیت، سلیقه و توانایی هنری هنرمند تزئینات کار بستگی داشته است که در هر منطقه با توجه به عوامل محیطی و بومی نقش پذیر شده است .هنرمند با توجه به طرح های موجود در محل زندگی خود متأثر از اقلیم و فرهنگ و مذهب، تغییرات و نوآوری هایی در طرح ایجاد و اجرا می نموده است. هندسه کمال یافته این معماری با استفاده از اشکال کلیدی به مثابه زیرنقش، با انکشاف طبیعت زاینده آن ها، از وحدت به سمت کثرت میل می کند و مخاطب را پس

از گردش در بوستان پرتنوعش، به وحدت ذاتی منتظر باز می گرداند و در جاذبه وحدانی خویش آرامش می بخشد .نور در این میان، نقش حکیمانه خویش را با ظهوری حیات بخش ایفا می کند .کمال بخشی رنگ و هم آغوشی با نور صد چندان می گردد(ندیمی۱۳۸۸)

تصویر(۲۱)تزیینات کاشی و کیبه بر ایوانک های فوقانی مسجد جامع یزد

تصویر(۲۲)تزیینات مسجدنصیر الملک شیرازمسجد جامع اصفهان

مسجد جمعه یا مسجد جامع اصفهان از مهم ترین و قدیمی ترین ابنیه مذهبی ایران است. کاوشهای باستان شناسی نشان از آن دارد که احتمالا این مسجد پیش از تسلط اعراب بر اصفهان، مرکز مذهبی مهم شهر بوده و بصورت یکی از آتشکده های شهر اصفهان کاربری داشته است.هنرمندان بسیاری در ساخت و پرداخت این بنا نقش داشته اند. نام معماران جمال (خادم بقعه شیخ محمد بن یوسف بنا) و یوسف بن تاج الدین بنا اصفهانی در کتیبه های ایوان جنوبی و نام معمار شیخ حسن بن شرف الدین بن حسین بنا رویدشتی بر کتیبه سردر بیت الشتا دیده می شود. استاد حیدر نیز سازنده محراب اولجایتو بوده است. همچنین در کتیبه های موجود نام این واقفان آمده است: استاد حسین بن استاد شاه میرزایی اصفهانی، محمد مطلق، آقا ذوالفقار، ولد آقا نصیر؛ استاد امین، ولد اسماعیل سرنج پز.کشف یک پا ستون، با تزیینات دوره ساسانیان، در منطقه شمالی مسجد، وجود بنایی قبل از اسلام را تایید می کند. درباره تاریخچه تغییر و تحولات مسجد اختلاف نظرهایی وجود دارد ولی به نظر می آید ساخت مسجد جامع به قرون اولیه هجری و در زمان عباسیان بوده که در قرن سوم هجری محراب آن تخریب و جهت قبله آن اصلاح شده است. در این مسجد تزیینات زیادی از جمله کاشی کاری،آجر کاری ،گچکاری و.. انجام گرفته است که نمونه بارزی از معنویت را در مسجد القا میکند.

تصویر(۲۳)فضای زیر گنبد نظام الملک

تصویر(۲۴)نمای ایوان جنوبی و کاشیکاری مسجد جامع اصفهان

تصویر۲۵:میانسرا و حوض مسجد جامع اصفهان

تصویر۲۶:محراب اولجایتون باتزیینات گچبری در مسجد جامع اصفهان

ارزش‌های تزئینی مسجد جامع:

در مسجد جامع اصفهان لایه‌ها و سطوح تزیینی همواره از ارکان مهم معماری محسوب می‌گردد. کشیدن نقاشی از تصاویر افراد یا شخصیت‌ها در مساجد اسلامی از ابتدا مجاز نبوده اما به‌کارگیری روشهای دیگر مانند نقوش هندسی و یا طبیعت انتزاعی به‌صورت تزیینی مورد توجه بوده است. در مسجد جامع اصفهان بسیاری از سطوح و فضاهای مسجد با روشهای مختلف تزیینی آراسته شده است که متعلق به ادوار مختلف تاریخی است که به اختصار به شرح آن می‌پردازیم.

در قرن سوم (نهم میلادی) دیوارهای خشتی با ملات سیم‌گِل (کاه‌گل بسیار نرم) پوشیده بوده و ستونهای مدور آن که از آجرهای پیش‌بُر (با قالب ذوزنقه‌ای) ساخته شده بود، دارای نمای آجری با بندکشی گچی بوده است. در قرن چهارم (دهم میلادی) الحاقات دورهٔ آل‌بویه به‌صورت ستونهای دو بخشی و سه‌بخشی دارای نمای آجری با نقوش آجرهای ظریف به‌صورت گل‌اندازی (basrelief) یا گود و برجسته تزیین شده بوده در قرن پنجم (یازدهم میلادی) دورهٔ سلجوقی سطوح تزیینی از ترکیب نقوش هندسی و خط بنایی با حروف عمود برهم اجرا شده در قرن هفتم و هشتم (۱۴ میلادی دورهٔ ایلخانان مغول) روش تزیینی عمدتاً ایجاد سطوح گچبری همراه با استفاده از انواع سبک‌های خوشنویسی بوده است. مخصوصاً در احداث محراب‌ها و تزیین آنها با روش گچبری خطوط همراه با نقوش طبیعت انتزاعی بوده است. در قرن نهم (۱۵ میلادی دورهٔ تیموریان) استفاده از پوشش‌ها به روش رسمی‌بندی و تزیین سطوح با کاشی‌های الوان خصوصاً در نماهای اطراف حیاط اجرا شده. در قرن دهم تا دوازدهم (۱۶ تا ۱۸ میلادی ـ دورهٔ صفوی) ادامهٔ روشهای سبک دورهٔ تیموری در تزیینات همراه با نقوش مقرنس‌سازی در ایوان شرقی و به‌کارگیری ترکیب آجر و کاشی با مهارت و ظرافت در چهار ایوان اطراف حیاط اجرا شده است.

به‌طور کلی تزیینات اجرا شده در مسجد جامع اصفهان مجموعه‌ای از هنرهای تزیینی را در طول تاریخ شهر و تحولات معماری مسجد معرفی می‌نماید. برخی از این تزیینات بعداً در مساجد دیگر اجرا شده است و برخی دیگر مانند کاشی‌های الوان دورهٔ تیموری به لحاظ طرح منحصر به‌فرد است، ولی آنچه اهمیت دارد، به‌کارگیری مجموعه‌ای از هنرهای تزیینی به‌ویژه ترکیب آجر

و کاشی برای نخستین‌بار است که وحدت و یکپارچگی جذاب و بی‌نظیری را در طول تاریخ برای مسجد جامع اصفهان به ارمغان آورده است.

مسجد جامع یزد:

این مسجد بزرگ با ۲ مناره بلند و منحصر به فرد هر سال گردشگران بسیار زیادی را از نقاط مختلف دنیا به سوی خود جذب می کند. از امتیازات هنری و معماری این مسجد می‌توان به قدرت و استواری کاشیکاری‌های نفیس و زیبای لاجوردی آن اشاره کرد.در زیر گنبد این مسجد بخشی قرار دارد که به آن تابستانه می‌گویند، این سردخانه دارای پنجره های آجری مشبک و در داخل این تابستانه محرابی قرار دارد که دارای کاشیکاری زیبایی است.نکته جالب توجه اینکه مردم معتقدند خاک کاشی و خاک همه مصالح آن از کربلاست و برای ساختن آن به جای استفاده از آب از گلاب استفاده شده است.شبستان مسجد دارای ۲ قسمت است که یکی در زمستان و دیگری در بهار و پاییز مورد استفاده قرار می گیرد. درهای مشبک شبستان پاییزی با شیشه های رنگی مزین شده است.سردر رفیع و زیبای آن با ۲۴ متر ارتفاع از دیگر ویژگی منحصر به فرد مسجد است. سبک معماری در ساخت این ایوان نظر هر بیننده ای را به خود جلب می کند و وجود طاق نماهای کم عرض در ۲ طرف طاق یا دهانه قوسی و وجود ۲ مناره زیبا بر بالای ایوان از دیگر ویژگی‌های مسجد جامع کبیر یزد است.اصیل‌ترین بخش‌های هنر معماری بی نظیر ایرانی در گچکاری، شبستان، صحن، گنبد، کاشی کاری و مناره های برافراشته آن جلوه گر است. زیباترین بخش این بنا را می توان مجموعه ایوان و گنبدخانه و فضای پیرامون آن نام برد.نمای ایوان بلند با مجموعه‌ای از زیباترین تزئینات کاشی معرق و نقوش اسلیمی و گیاهی همچنین گره چینی پوشانده شده است. تزئینات با آجرهای ضربی و نقوش معلقی و کتیبه های کاشی معرق و کوفی بنایی، مجموعه ای بدیع و خیره کننده آفریده که تحسین هر بیننده ای را برمی انگیزد.محراب اصلی یا محراب واقع در گنبدخانه، مزین به انواع کاشی معرق و کتیبه و آجر ضربی است و بر ۲ کاشی ستاره ای شکل منصوب در آن، نام استادکار و تاریخ ساخت محراب نقش بسته است.مسجد جامع یزد به شیوه یک ایوان در دل کویر و در طی حدود ۱۰۰ سال و در سه دوره ساخته شده است. پایه‌های اصلی مسجد را ساسانیان و بنای فعلی مسجد، از لحاظ شیوه معماری متعلق به دو دوره موسوم به آذری دانسته‌اند.بنای گنبد خانه متعلق به دوره ایلخانی و سر در رفیع مسجد را متعلق به زمان شاهرخ و دوره تیموری دانسته‌اند. این بنا از لحاظ خوابیدگی گنبد، سردر رفیع و بلند و همچنین کاشیکاری زیبا و منحصربفرد، شهرت دارد.

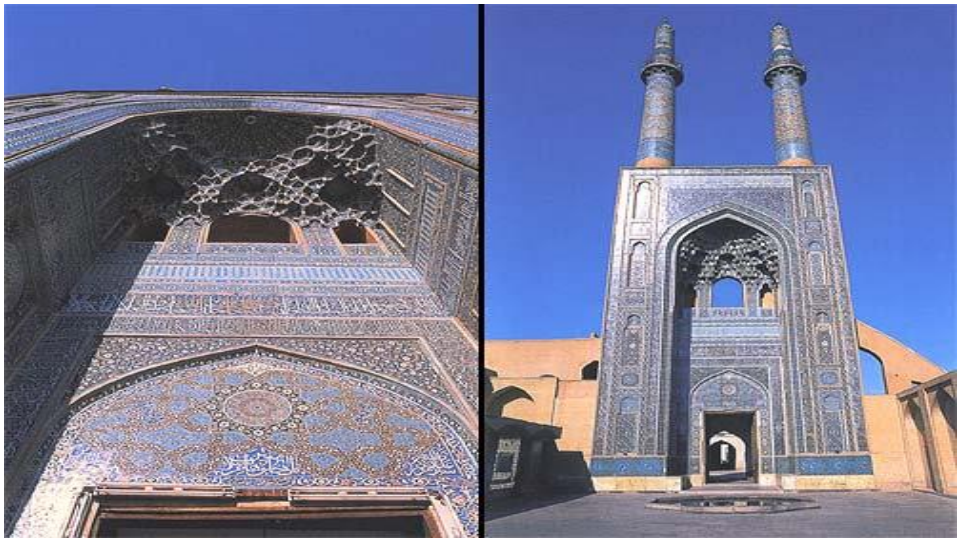

شکل(۵):تزیینات وسمبولهای موجود درمعماری مسجد کبیر یزد

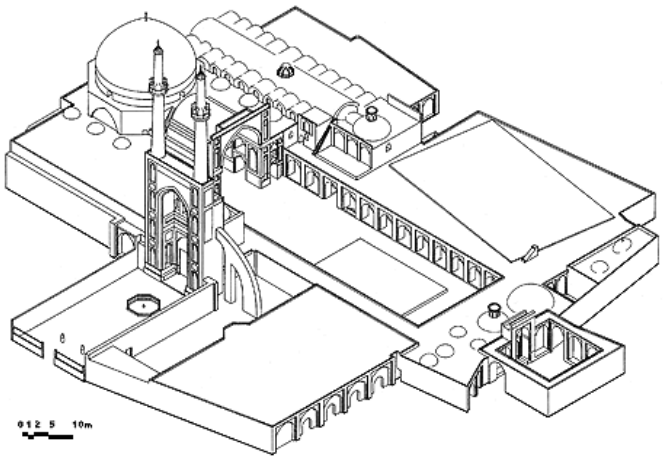

شکل (۶):پلان مسجد جامع کبیر بزد،منبع/www.beytoote.com

پیام معنوی هنر ومعماری اسلامی:

مساجد و بناهای مذهبی در تاریخ معماری ایران همواره نقطه به اوج رسیدن هنر ومعماری اسلامی بوده است.در معماری اسلامی ایران بدون شک جنبه های ساختمانی ونوآوری در فضاهایی مساجد وایجادفضایی تازه در سیرتاریخی خود از اهمیت بالایی برخوردار می باشد.یک معماری ایران در عناطر معماری همچون قوس ها تاق بندی ها،گنبد وحتی مقرنس به عنوان یک تزیین حجمی وسه بعدی پیشتاز بوده وتوانسته است این دستاوردهای به دیگر سرزمین های اسلامی نشان دهد. مساجد محل تجلی مجموعه ای از هنرهایی است که مصداق مسلم هنر شهودی است به عبارت دیگر در مساجدنه تنها دین با هنر ملاقات می کند بلکه مهم ترین نمودهای هنر اسلامی ،معماری مساجدوویژگیهای بارز آن است

تاثیر فضاها وتزیینات معماری

مسلمانان در محیطی که در آن قرار می‌گیرند بایستی احساس آسایش و آرامش نمایند همچنان‌که«محیط مسجد به علت سکونش از هرچیز گذرا و ناپایدار،ممتاز می‌شود».(براند۱۳۷۷)

ارتباط انسان با محیط اطراف او تابعی است از مجموعه سیستم حواس چندگانه اش .احساس بشر از فضا ارتباط نزدیکی با دریافتها وادراکهای حسی او دارد که آنها در عکس العمل بسیارنزدیک با محیط اطراف او می باشد . بشر موجودی است دارای توانایی های حرکتی ،بصری ،دمایی ولمسی وغیره که در مواجهه بایک بنا ممکن است توسط محیط اطرافش مهار شده ویا تقویت گردد.

موضوع زیبایی شناسی نیز لذتی است که از برداشت دیداری ،شنیداری،بویایی،لامسه ای محیط برای انسان حاصل می گردد از منظر زیباشناختی،فرم ونقش،ظاهر حسی وواضح یک شی است که خود در معرض درک وقضاوت بیننده قرار میدهد فرم ونقش دادن یعنی پردازش اشکال واحجام به گونه ای که با ایده طرح انطباق یابد براساس شکل پردازی صوری با توجه به فرم ونقش ، وابسته به عوامل گوناگونی است

جدول ۱:شاخصهای بصری تزیینات معماری

زیبایی:زیباشناختی تزیینات معماری صرفا یک مبحث فلسفی تئوری ومبتنی برفرضیه ها می باشند که از دیدمن آثار به جای مانده حاصل شده است.
ایجاد فضاهای مثبت ومنفی:تزیینات معماری در فضای مثبت ومنفی بااهمیت است منظور از فضاهای منفی فضایی بیهوده وبحث نمی باشد بلکه این دو فضای مثبت روح وجسم مکما هم وحیاتشان نیزلازمه وملزم یکدیگر است

قرینه سازی:معماری ایرانی از زیباشناسی آینه بهره می گیرد
بی زمانی:هنراسلامی هیچگاه شامل زمان نمی شود یعنی کهنگی در هنر اسلامی وجود ندارد زمان برای صورتهای مادی است.وقتی هنراسلامی از حالت ماده خارج میشود حالت معنوی وغیر مادی به خود می گیرد دیگر زمان روی آن تاثیرنمیگذارد تزیینات وابسته به معماری اعتبار جاودانگی دارد
تناسب وترکیب درتزیینات باید بین طرح ومحل تناسب منطقی برقرارشود یعنی هر نقش وتزیین باید متناسب ودلنشین باشد
بافت:ایجاد بافتها با استفاده از مصالح گوناگون با تاثیر گذاری بیشتر روی تزیینات مورد توجه است
توازن:در مبحث تزیینات معماری اسلامی هیچ گاه نباید عناصری که برای تزیین بکارمی روند برسایر قسمتها سنگینی نماید وهمواره تعادل وتوازن باید در کل فضای معماری حاکم باشد
رنگ:توجه به عنصر به خصوص در تزیینات معماری اسلامی به مشهود است .رنگی ها در معماری اسلامی صورتی نمادین به خود گرفته اند.

نتیجه گیری

آثار وبناهای بر جای مانده از سلوک پیشینیان ، کار آمدترین ابزار در بازخوانی مبانی معنوی ومعرفتی معماری اسلامی است . معماری ایرانی حاصل نگاه معنوی نیاکان نیک اندیش ماست ، از این رو هر آینه این آثار مورد بررسی دوباره قرار گیرد ،می تواند راهگشای کشف مفاهیم مستور در کالبد ان شود . مفاهیمی که از آموزه های معنوی ایرانی واسلامی برآمده و در قالب مادی گسترده شده اند.یکی از مهمترین آموزه های معماری اسلامی فنای فی الله است. معمار ایرانی با گذشتن از تمایلات نفسانی ، خود را از محودیت خارج ساخته ،فرامین الهی را جایگزین اراده خویش در تصمیم گیری نموده است . با گذشتن از نام ونشان خویش ،به جای فرصت داده به سلایق شخصی ،آموزه های معنوی را در هنر خویش گسترانیده است . معمار ایرانی با ایمان راسخ به بزرگی خداوند سبحان ، و بی مقداری هر آنچه غیر اوست ، در کنار مردم و همراه آنها به معماری می پردازد. از این رو حاصل عمل بیش از آنکه به خواست معمار وابسته نباشد ، به باورهای مردم ومعنویت حاکم بر زندگی اجتماعی آنها حاکم بر زندگی اجتماعی انها وابسته خواهد بود (پیرنیا ،۱۳۵۳) پیوستگی میان هنرها زمینه ای است که می تواند اجزای گوناگون ومتکثر جهان هستی را به وحدتی متعالی رهنمون گردد. در دوره طلایی معماری اسلامی ایران ،این وحدت وهماهنگی در وضعیت آرمانی تبلورنداشته است. به عنوان مثال می توانیم به بنای مسجد شیخ لطف الله اصفهان اشاره نماییم. در این مسجد آنچه در نگارگری می یابیم همان است که در خطوط اسلیمی حاکم بربنا می بینیم و انچه در ظاهر بنادیده می شود ،آن است که در دورن دیواره ها احساس می گردد .از همه اینها مهمتر آن است که آنچه در درون بنا مشاهده می گردد ، همان است که بیرون بنا شاهد آن می باشیم . گویی استاد علی اکبر اصفهانی ، استادمحمد شیرازی وکمال الدین بهزاد ،در حقیقت یک نفرند که به مدد حکمت اسلامی ، گونا گونی آنها به وحدت نهایی بنا انجامیده است. وحدت میان هنرها از قالب تک تک ساختمانها نیز فراتر رفته ،گویی در اصفهان صفوی همه یک وتنها یک چیز می گویند و آن شهادت به بزرگی باری تعالی است تمامی هنرها برمبنای احترام به اصول معنوی مشترک ،در حقیقت باطنی خویش ،هم گون اند . چنانچه که سید حسین نصر می گوید :پیوند میان معنویت اسلامی و هنر در عرصه صفویه ،در زمینه های هنری چون معماری ،موسیقی ، مینیاتور ، و ...کاملا مشهود است این آموزه این روزها بیشتر مورد اهتمام اساتید دلسوز معماری ایرانی قرار گرفته است تا جایی که برخی از اساتید به منظور جبران نارسایی های موجود در آموزش معماری شاگردان خویش را به مکالمه با سایر رشته های هنری ترغیب می کنند.پیوستگی میان شعر ، نقاشی ،موسیقی ،معماری و .... به حدی که با تکیه بر آنها می توان ،در فراگیری رازها و رمزهای حاکم بر جهان هستی توفیق بیشتری یافت . معماری اسلامی ایران به مثابه کارآمدترین ابزار خلق فضا نه تنها می تواند راهگشای معماری جوان این سرزمین باشد بلکه به سب تکیه بر اصول و باورهای معنوی مردمان این سرزمین می تواند در تعریف ژرف ساخت های نظری یک معماری اسلامی پیشرو ومناسب برای نیاز های روزآمد،مورد استفاده

و بهره برداری قرار گیرد.بدیهی است که ترسیم افق های جدیدی برای معماری اسلامی ایران ،تنها با تکیه بر اصل «حکمت»به مثابه پیشروترین اصل معماری اسلامی،امکان پذیر خواهد بود.اصل حکمت جوهره اصلی تعریف معماری اسلامی است هر آینه می تواند به عنوان محک و سنجش درستی مسیر ور اهبردهای انتخاب شده برای معماری معاصر،به کار گرفته شود گنبد به عنوان یکی از اندام اصلی و عنصری مهم در معماری مساجد، ابعاد گوناگونی دارد که حتی به صورت گذرا هم شاید نتوان حق مطلب را به درستی در یک نوشتار کوتاه ادا کرد. از طرف دیگر کنکاش‌های پیرامون آن در صورتی که در جستجوی پی‌بردن به انگیزه تلاش و منشاء بروز خلاقیت‌ها در آثار گذشتگان منتهی شود چشم‌اندازی وسیع و قله‌های رفیعی را جلوه‌گر می‌سازد که تداوم راه را باره توشه‌ای گرانقدر همراه می‌سازد. در این مقاله مختصر به طور اجمالی اشاره شد که ایران نه‌تنها منشاء پیدایش گنبد بوده است، بلکه گنبدهای ایرانی وجوه تمایز شایان توجهی در مقایسه با گنبدهای ساخته شده در سرزمین‌های دیگر داشته است. در مورد تعیین مدبرانه شکلهای متنوع گنبد به اختصار توضیح داده شد و نیز با استناد به تناسبات و سیستم‌های سازه‌ای گنبدهای تاریخی تعمق و حکمت سازندگان آنها مورد تاکید قرار گرفت، به نحوی که تسری ویژگی‌های ذاتی گنبد به سازه‌های پوسته‌ای بتنی معاصر، هنوز جولانگه ابداعات پیشینیان ایرانی است. در بررسی ریشهٔ گنبد در مساجد به این نکته می رسیم که فرم گنبد پیشتر در معماری ایران قبل از اسلام استفاده می شده است وبه دلیل هماهنگی با مفاهیم و اصول اسلام و پاسخگویی به مبانی نظری و فلسفهٔ معماری اسلامی در آن ماندگار شده است .حال آنکه این شاخص شدن و نشانه شدن در مورد فرمهای دیگر و جایگزین گنبد نیز می تواند صادق باشد و وظیفهٔ معمار امروزی کشف این گونه فرم ها و کالبد ها و نشانه کردن و شاخص کردن و هویت دادن به آنها است.

منابع:

- اعوانی غلامرضا ۱۳۵۷۰حکمت و هنر معنوی (مجموعه مقالات)، ترجمه‌ی غلامرضا اعوانی؛ گردآوری ، تهران: انتشارات کروس،
- بمانیان محمد رضا،سیلوایه سونیا(۱۳۹۰)بررسی نقش گنبد در شکل دهی به مرکزیت معماری مسجد،معماری و شهرسازی آرمان شهر شماره ۹
- پیرنیا ، ۱۳۶۹ ،شیوه های معماری ایران،موسسه نشرهنر،تهران،
- رهنورد،حکمت هنر اسلامی،۱۳۸۹،انتشارات سمت،تهران،ص۲۳
- محمدی سحر،بمانیان محمد رضا(۱۳۹۳)بررسی جایگاه گنبد در الگوی کالبدی مساجد معاصر،نقش جهان شماره ۳
- مهدوی نژاد محمد جواد(۱۳۸۳)حمکت معماری اسلامی،جستجو در ژرف ساخت های معنوی معماری اسلامی ایران،نشریه هنرهای زیبا شماره ۱۹
- اعوانی غلامرضا ۱۳۵۷۰حکمت و هنر معنوی (مجموعه مقالات)، ترجمه‌ی غلامرضا اعوانی؛ گردآوری ، تهران: انتشارات کروس،
- مهدوی نژاد،محمد جواد،حکمت معماری اسلامی،نشریه هنرهای زیبا،شماره۱۹،پاییز۸۳